انترناسیونال 771

**گفتگو با حمید تقوائی در مورد**

**دور تازه برآمد جنبش انقلابی، منشور انقلاب و اشکال سازماندهی**

**خلیل کیوان:** روزهای شنبه و یکشنبه نهم و دهم تیرماه اعتراض مردم خرمشهر و آبادان به آلودگی آب شرببه تقابل با نیرویهای انتظامی کشیده شد. مردم بطور گسترده به جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر پرداختند و شعارهای تندی علیه حکومت سر دادند. بدنبال آن مردم در شهرهای اهواز، سربندر و خورموسی در همبستگی با مردم آبادان و خرمشهر به خیابان آمدند و با شعار بله ، بله به انقلاب، سرنگونی حکومت اسلامی را فریاد زدند. آیا ما با دور تازه ای از مبارزات مردم با حکومت مواجه هستیم که مشخصه آن زد و خورد با نیروهای رژیم و حمله به مراکز آن خواهد بود؟

**حمید تقوایی:** درگیری و زد و خورد مردم با نیروهای حکومتی نشانه جسارت، روحیه تعرضی و عزم جزم مردم در مبارزه برای سرنگونی حکومت است. رژیم دیگر قادر نیست با اعزام نیروهای انتظامی به خیابانها و با بگیر و ببند و حمله به مردم و ضرب و شتم و سرکوب و کشتار آنها را مرعوب کند و از اعتراض باز بدارد. از سوی دیگر در برابر موج فزاینده اعتراضات و اعتصابات بجز بمیدان آوردن نیروهای سرکوبگرش چاره ای ندارد. این شرایط میتواند آغازگر دور تازه ای از مبارزه باشد که وجه مشخصه آن نه صرفا مقاومت و دفاع از خودِ مردم در برابر تهاجم نیروهای حکومتی، بلکه حمله و تعرض مردم به این نیروها و به مراکز دولتی و دفاتر امام جمعه ها و غیره، یعنی نوعی قیام شهری، است. فی الحال خیزش مردم در خرمشهر و آبادان از نظر شکل مبارزه از تظاهرات و تجمعات اعتراضی فراتر رفته و شکل یک قیام شهری را به خود گرفته است.

از سوی دیگر باید توجه داشت که خیزش خرمشهر، مانند خیزش مردم کازرون در حدود یک ماه قبل، یک اتفاق موردی و مجزا از بقیه نقاط ایران نیست. بلکه بر متن یک مبارزه سراسری صورت میگیرد که از دیماه آغاز شده و در ابعاد و عرصه های مختلف ادامه داشته است. باید انتظار داشت که خیزش و قیام و زد و خورد و جنگ و گریزهای خیابانی، به شهرهای دیگر نیز کشیده بشود و گسترش پیدا کند.

**خلیل کیوان:** در فرهنگ سیاسی و در اذهان عمومی قیام به معنی ضربه نهائی برای درهم کوبیدن حکومت و بزیر کشیدن آن شناخته میشود. آیا اطلاق قیام به چنین رویارویی هایمقطعی که در یک و یا چند شهررخ میدهد صحیح است؟

**حمید تقوایی:** قیام به معنی اخص کلمه مرحله نهائی انقلاب و تعرض نهائی مردم برای بزیر کشیدن حکومت است. روشن است که به این معنی به اعتراضات مردم خرمشهر نمیتوان قیام اطلاق کرد اما به یک مفهوم عام تر، به معنی تعرض مستقیم مردم به نیروها و نهادهای حکومتی، نمونه های خرمشهر و کازرون نوعی قیام شهری است. این نامی است که درگیری و تعرض مستقیم مردم به حکومت را از اشکال دیگر مبارزه نظیر تظاهرات و اعتصاب و تجمع و راهپیمائی متمایز میکند.

**خلیل کیوان:**آیا با گسترش و ادامه قیامهای شهری میتوان حکومت را سرنگون کرد؟ جایگاه تظاهرات عمومی و اعتصاب در چنین شرایطی چیست؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردم در بسیاری از انقلابها، از جمله انقلاب ٥٧ در ایران، ضربه نهائی به حکومت را نهایتا قیام مردم وارد میکند. اما قیام ابتدا بساکن رخ نمیدهد بلکه حاصل و در امتداد یک دوره پر تلاطم تحولات سیاسی در جامعه است.

انقلاب از نظر شکل شامل سلسله ای از راهیپیمائی ها و تظاهرات ها و تجمعات توده ای، اعتصابات کارگری و اعتصابات بخشهای دیگر جامعه،درگیری و جنگ و گریز مردم با نیروهای سرکوبگر و سرپیچی برخی از این نیروها و پیوستنشان به مردم، و انواع دیگر آکسیونهای ویژه و بدیع ( نظیر حرکت دختران خیابان انقلاب) از جانب توده مردم است. قیام نهائی بر متن و در ادامه این تحولات صورت میگیرد و به نوعی حاصل و بر آیند کل این حرکات است.

در شرایط حاضر یک تاکید حزب ما بر اعتصابات سراسری است. شکل گرفتن اعتصابات کارگری و گسترش آنها میتواند یک نقطه عطف و گام تعیین کننده در پیشروی انقلاب علیه حکومت باشد. این آلترناتیو اشکل دیگر مبارزه نظیر تظاهرات و تجمعهای اعتراضی و غیره نیست بلکه مکمل آنهاست و میتواند بمراتب این مبارزات را تقویت کند. به نظر من تظاهرات توده ای، یعنی بخیابان ریختن توده مردم با خواست و شعار سرنگونی حکومت، آنچه از دیماه تا امروز در اشکال مختلف شاهد آن هستیم، بستر اصلی انقلاب است. اعتصابات و خیزشها و قیامهای شهری بر این متن شکل میگیرد و مجموعه این اعتراضات نهایتا حکومت را بزیرمیکشد.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری ایران سندی را تحت عنوان منشور انقلاب و رهائی جامعه منتشر کرد. ربط این سند با اعتراضات مردم چیست؟ هدف از انتشار این سند چیست؟

**حمید تقوایی**: ما تا اینجا در مورد اشکال مبارزه صحبت کردیم. سند منشور انقلاب به مضمون انقلاب میپردازد.

ضرورت انتشار این سند در یک سطح پایه ای بلند کردن پرچم انسانگرائی و آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی در تقابل با آلترناتیوهای قومی- مذهبی- ناسیونالیستی ای است که انواع نیروهای طیف راستدر برابر جامعه قرار میدهند. من در سخنرانی اففتاحیه پلنوم اخیر حزب ( رجوع کنید به انترناسینال شماره ٧٦٥) تاریخ تحولات سیاسی در ایران معاصر را در چارچوب تقابل سه جریان مشخص اجتماعی- سیاسی- فرهنگی با پرچم اسلامیت، ایرانیت و انسانیت بررسی کردم و تاکید کردم که در شرایط حاضر کمونیسم کارگری و سوسیالیسمی که نمایندگی میکند پرچمدار انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی است. منشور انقلاب و رهائی جامعه مشخصا این انسانگرائی عمیق سوسیالیستی را بر متن انقلاب جاری و در شکل چهار رکن و محور لازم برای پیشروی و پیروزی انقلاب معرفی و اعلام میکند. این ارکان چهارگانه عبارتند از:

معنی سرنگونی حکومت و در هم شکستن نظام موجود، وظایف فوری دولت بر آمده از انقلاب، دخالت مستقیم مردم در حکومت و اداره جامعه و بالاخره امحای بردگی مزدی و برقراری سوسیالیسم.

آزادی و رهائی جامعه مستلزم در هم شکستن و زیرو رو کردن کل نظام حاکم است و در بند اول منشور این درهم شکستن، از خلع ید و بازداشت و محاکمه سران و مقامات حکومتی تا انحلال نیروهای سرکوبگر و تا لغو قانون اساسی و قوانین قصاص و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی، بطور مشخص تبیین و تعریف شده است.

بی تردید نیروهای راست در اپوزیسیون،و حتی بخشهائی از حکومت که معمولا در شرایط انقلابی نقش اپوزیسیون را بازی میکنند، تلاش میکنند تا حکومت و نظام موجود را با حداقل تغییرات ممکن حفظ کنند. وظیفه ما کمونیستها اینست که در برابر حکومت و کل نیروهای راست چشم انداز روشن و رایکال و سازش ناپذیری از بزیر کشیدن کل حکومت و درهم شکستن نظام حاکم را در برابر جامعه قرار بدهیم و به تصور و درک عامه تبدیل کنیم. این یک رکن مهم تقویت و تعمیق انقلاب است.

رکن دوم منشور به اقدامات فوری دولت برآمده از انقلاب میپردازد. با سرنگونی جمهوری اسلامی اقداماتی نظیر آزادی فوری زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، جدائی کامل مذهب از دولت و قوانین، تصمین آزادیهای بدون قید و شرط، برابری کامل زن و مرد در تمامی سطوح، تامین فوری مبرم ترین نیازهای معیشتی و رفاهی مردم و غیره باید فورا اعلام و متحقق بشود. اعلام این خواستهای مبرم مردم و توده گیر شدن آنها نه تنها در تعمیق و شفاف سازی خواستها و توقعات و انتظارات مردم از همین امروز و در دل اعتراضات جاری نقش مهمی ایفا میکند بلکه معیار و محک روشنی برای ارزیابی نیروهای اپوزیسیون و تشخیص انقلابیون راستین از مدعیان دروغین انقلاب بدست میدهد.

یک ضرورت دیگر انجام این اقدامات از سوی دولت برآمده از انقلاب همانطور که در منشور تصریح شده، ممانعت از بازگشت ارتجاع در اشکال دیگر و تامین شرایط لازم برای انتخاب نظام حکومتی در شرایط آزاد و امن است. به این معنی که هر چه آزادی بی قید و شرط بیان و مطبوعات واحزاب و اعتصاب تظاهرات، لغو حکم اعدام، انحلال نیروهای سرکوبگر، باز کردن در زندانها و انحلال زندانهای سیاسی، و سایر اقداماتی که در منشور اعلام شده سریعتر و پیگیر تر و جامعه تر انجام بگیرد به همان نسبت به قدرت رسیدن نیروهای ارتجاعی و راست تحت نام انقلاب، توطئه علیه انقلاب و حتی هجوم دولتهای ارتجاعی به انقلاب دشوار تر خواهد بود.

یک نتیجه مهم دیگر این نوع اقدامات جلب بسیج نیروها و احزاب چپ و مترقی و افکار عمومی در سطح جهانی در حمایت از انقلاب در ایران خواهد بود و این بنوبه خود عامل موثری در عقب راندن ارتجاع داخلی و جهانی علیه انقلاب است.

رکن سوم منشور بر دخالت و اعمال اراده مستقیم مردم در امر حکومت و اداره جامعه تاکید میکند. نباید اجازه داد بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی نوع دیگری از دولت مافوق مردم شکل بگیرد. توده مردم باید در تشکلهای نوع شورائی متشکل بشوند و اداره جامعه را خود مستقیما و بلا واسطه در دست بگیرند. در انقلاب ٥٧ شوراها وسیعا شکل گرفت و همه دموکراسی و آزادی را با شوراها تداعی میکردند. در انقلابی که در پیش داریم باید آگاهانه و از قبل به استقبال شوراها رفت و آنها را سازمان داد. در شرایط جاری شوراها یا تشکلهای توده ای نوع شورا میتوانند هم ابزار قوی و موثری در سازماندهی مبارزه و انقلاب باشند و هم در فردای سرنگونی حکومت بعنوان ارکان دولت انقلابی برسمیت شناخته بشوند و امر حکومت را مستقیما در دست بگیرند. این یک امر مطلقا ضروری برای تضمین و تثبیت پیروزی انقلاب و تحقق اهداف انقلاب است.

و بالاخره رکن چهارم منشور نظام اقتصادی سرمایه داری که منشا همه مصائب و نابرابریها و بیحقوقی ها در جامعه است را نشانه گرفته است. ما بارها اعلام کرده ایم جمهوری اسلامی هار ترین و ارتجاعی ترین نوع حاکمتی سرمایهدر ایرن است و میتواند و باید آخرین آن نیز باشد. منشور اعلام میکند که تداوم سرمایه داری در ایران بجز ریاضتکشی اقتصادی و فقر و بیحقوقی و محرومیت حاصلی برای توده مردم در بر ندارد و تنها با امحای بردگی مزدی میتوان آزادی و رفاه و برابری را برای توده مردم فراهم کرد. به این معنی رکن چهارم منشور مبنا و اساس پیروزی انقلاب و تضیمن و تثبیت کننده یک جامعه انسانی و عاری از هر نوع تبعیض و محرومیت و بیحقوقی است.

**خلیل کیوان**: در مورد اشکال مبارزت و اعتراضات توده ای و مضمون این مبارزات توضیح دادید. اجازه بدهید سئوال آخر را به اشکال سازماندهی بپردازیم. چگونه میتوان در شرایط حاضر متشکل شد. چه اشکالی از سازماندهی را باید در دستور گذاشت؟

**حمید تقوائی:**به نظر من باید سه نوع سازماندهی را همراه و در ارتباط با یکدیگر به پیش برد.نوع اول سازماندهی حزبی است. ما مشخصا از خیزش دیماه بر سازماندهی حزبی در داخل ایران و گسترش جمعهای حزبی در شرایط پرتلاطم حاضر متمرکز شدیم و این سیاست را فعالانه به پیش میبریم. جمعها و واحدهای حزبی نه تنها باید تکثیر بشوند و گسترش پیدا کنند بلکه باید برای انجام وظایف خطیری که در پیش است خود را آماده کنند. این به نظر من پیش شرط موفقیت ما در اشکل دیگر سازماندهی است.

نوع دوم سازماندهی تشکلیابی در عرصه های مبارزاتی مختلف نظیر علیه اعدام، آزادی زن، مبارزات دانشجوئی، آزادی زندانیان سیاسی و غیره است. حزب ما در تمام این عرصه ها فعال بوده است و دستاورهای ارشمندی داشته است. شرایط انقلابی حاضر ایجاب میکند و اجازه میدهد که نهادها تشکلها و شبکه های مبارزاتی با خواستها و اهداف مشخص و اعلام شده در عرصه ها و در ابعاد گسترده ای بصورت علنی و نیمه علنی شکل بگیرند و فعال بشوند. تحقق این امر یک وظیفه و اولیت مهم حزب در شرایط پر تحول حاضر است.

بالاخره باید به تشکلهای ویژه شرایط انقلابی حاضر تاکید کنم.اینها تشکلهائی هستند که در دل انقلاب و برای سازماندهی انقلاب شکل میگیرند. میتوان آنها را شکل معینی از تشکلیابی در عرصه جنبش سرنگونی و انقلاب دانست. انقلاب یک خیزش گسترده و توده ای است که خارج از اراده و نقشه های سازمانی احزاب و نیروهای سیاسی شکل میگیرد اما تقویت و گسترش و تعمیق و نهاتیا پیروزی آن در گرو سازمانیابی توده مردم بوسیله احزاب و نیروهای انقلابی نظیر حزب ما است. ایجاد این تشکلها هم از نظر تعمیق و رادیکالیزه کردن مضمون انقلاب، که ارکان آنرا در سئوال قبلی توضیح دادم، و هم از نقطه نظر شکل موثر و کارآمد اعتراض و مبارزه توده ای - از تظاهرات و اعتصابات تا درگیری با نیروهای سرکوبگرو باریکادبندی خیابانی، و تا کسب آمادگی برای کنترل محلات، قیامهای شهری و حمله به مراکز حکومت و غیره - میتوانند و باید نقش تعیین کننده ای در پیشروی انقلاب ایفا کنند. (در این مورد به اطلاعیه حزب تحت عنوان "شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم" که بتاریخ ۱۵ تیر ۱۳۹۷منتشر شده است، رجوع کنید).

فعالیت در هر سه زمینه سازماندهی حزبی، عرصه ای و سازماندهی انقلاب یک امر محوری و اولویت فعالیت حزب در شرایط حاضر است. من همین جا همه اعضا و کادرها و دوستداران حزب در داخل کشور را به پیشبرد فعالانه این وظایف فرامی خوانم.